

دست‌های بازی‌گردان

تبارشناسی فعالان بازار سهام در گفت‌وگو با غلامرضا سلامی

قدرت اثرگذاری فعالان بازار سهام بر تصمیمات اقتصادی کشور به مرحله نگران‌کننده‌ای رسیده است. در هفته‌های اخیر مشخص شد که حتی بانک مرکزی هم که وظیفه مهار تورم و حفظ ارزش پول ملی را دارد می‌تواند تحت تاثیر فعالان بازار سهام تصمیماتی بگیرد که به نفع برخی سهامداران و به ضرر کل اقتصاد ایران باشد. اقدامی که انتقاد بسیاری از کارشناسان اقتصادی را برانگیخت و این پرسش را ایجاد کرد که مگر فعالان بازار سهام چه نفوذی در میان صاحبان قدرت دارند که می‌توانند این‌گونه بر روندهای تصمیم‌گیری اثر بگذارند؟ از سوی دیگر می‌دانیم که از سال ۱۳۹۸ دیگر فعالان بازار سهام به عده‌ای از معامله‌گران سنتی این بازار محدود نیست. افرادی آمده‌اند که ظاهراً با نهادهای قدرت در ارتباط بوده و به بیان برخی ناظران می‌توان آنها را گروه فشار جدید خواند. در این راستا، رضا سلامی، تحلیلگر بازارهای مالی، معتقد است باید نگران رفتار و فعالیت‌های این گروه بود. به گفته وی آنچه در بازار سهام در جریان است خود مصداق فساد بوده و زمینه‌هایی را فراهم کرده که به صورت مداوم به عده معدودی سود رسیده و زبان‌های بسیاری بر سایر مردم کشور تحمیل شود.

❖ در روزهای گذشته واکنش منفی بازار سرمایه به افزایش نرخ سود بین‌بانکی به بیش از ۲۰ درصد، باعث شد تا رئیس کل بانک مرکزی و رئیس سازمان بورس در نشست مشترکی که برگزار کردند، تصمیم بگیرند این نرخ در چارچوب سیاست‌های پولی بانک مرکزی باقی بماند. اقدامی که با واکنش مثبت مدیر روابط عمومی و امور بین‌الملل سازمان بورس روبه‌رو شد و از بانک مرکزی به خاطر کاهشی شدن نرخ بهره بین‌بانکی تشکر کرد. چه تحلیلی روی این اتفاقات دارد؟ آیا معقول است که سیاستگذاری‌های اقتصادی مبتنی بر خواست عده‌ای از ذی‌نفعان باشد؟

برای پاسخ به این سوال، باید به عقب برگردیم. حدود سه سال است که بورس در اقتصاد ایران بسیار مهم جلوه داده شده و توجه دولت و مجلس به سوی آن معطوف شده است. این در حالی است که حمایت از بورس نتیجتاً به نفع عده‌ای خاص تمام شده ولی در مجموع به زیان اقتصاد ایران بوده است.

گرچه بازار سهام ما بزرگ نیست ولی سودهایی که عاید افراد می‌کند بسیار کلان است. اکنون کل ارزش بازار سهام ایران به ۲۰۰ میلیارد دلار هم نمی‌رسد در حالی که می‌دانیم مثلاً شرکت نفتی آرامکو یا شرکت‌های فناوری مانند گوگل چند برابر کل این میزان می‌ارزد. با تمام این تفاسیر فعالانی که در این بازار هستند سودهای قابل توجهی از این بازار به دست آورده‌اند که شاید در هیچ بورسی نظیر نداشته باشد. به عنوان مثال می‌توانیم وضعیت سال ۱۳۹۸ را بررسی کنیم. می‌دانیم که دولت در آن سال چگونه از بازار سهام ایران حمایت کرده و چگونه مقادیر قابل توجهی از جیب مردم به جیب عده‌ای خاص روانه شد. در آن سال با تبلیغات وسیع از طرف مافیای بورس و چراغ سبز دولت خیلی از مردم ترغیب شدند پس‌انداز خود را به بازار سرمایه بیاورند که البته در نهایت نیز جیبشان خالی شده و از بازار خارج شدند. آن گروه خاص که تعدادشان زیاد هم نیست توانستند در جریان اوج‌گیری زودبجاری ارکان حکومت و متقاعد کردن دولت به اینکه راه نجات اقتصاد بحران‌زده ایران از طریق رونق بازار سهام امکان‌پذیر است، در سال‌های ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ بیش از ۱۰۰ هزار میلیارد تومان به جیب بزنند. ارزش بازار سهام ایران در دوره‌ای از آن دو سال به حدود ۳۵۰ میلیارد دلار رسید در حالی که در ادامه و پس از مدت کوتاهی به نیمی از این عدد کاهش یافت. در این مدت بخش مهمی از این افزایش و کاهش از پس‌انداز و دارایی مردم فریب‌خورده به جیب



گرچه بازار سهام ما بزرگ نیست ولی سودهایی که عاید افراد می‌کند بسیار کلان است. اکنون کل ارزش بازار سهام ایران به ۲۰۰ میلیارد دلار هم نمی‌رسد در حالی که می‌دانیم مثلاً شرکت نفتی آرامکو یا شرکت‌های فناوری مانند گوگل چند برابر کل این میزان می‌ارزد.

محركين پيدايش اين رخداد تاريخي رفت. در آن دوران و حتی پس از سقوط بورس از مرداد ۹۹، تعدادی مصوبه از طرف دولت و با حمایت مجلس به نفع بورس صادر شد که من نام آنها را ده فرمان رانت‌زا گذاشتم؛ این مصوبه‌ها بدون استثنا یا به زیان کل مردم و به نفع آن عده خاص بود یا تجویزهای تسکین‌دهنده‌ای بود که بازهم در نهایت به زیان اقتصاد کشور و سود آن عده خاص و تعدادی نوسان‌گیرهای حرفه‌ای، تمام شد. اکنون هم بحث پایین نگه داشتن نرخ بهره که مجدداً مطرح شده باز در جهت منافع آن گروه است. البته ایجاد تغییر در نرخ بهره در تمام دنیا برای مهار تورم یا خروج از رکود در دستور کار بانک‌های مرکزی قرار می‌گیرد ولی در ایران می‌بینیم که چطور همان عده خاص از فعالان بازار سهام توانستند با اعلام مخالفت خود مانع از افزایش نرخ بهره در زمانی که به سبب شرایط حاد تورمی به آن نیاز بود، بشوند. باز هم تاکید می‌کنم رانتی که به بورس برای رونق آن تخصیص می‌یابد به نفع آن عده خاص و به زیان همه مردم ایران است.

❖ البته سرکوب نرخ بهره در ایران در سال‌های گذشته در مقاطع بسیاری مورد انتقاد بوده است. آیا چنین اقداماتی به بازار سهام و فعالان آن مربوط می‌شود؟

یکی از دلایلی که سال‌ها نرخ بهره در ایران پایین نگه داشته شده، همین بورس بوده است. همواره گفته شده که اگر نرخ بهره بالا برود تمایل به دادوستد در بورس کم می‌شود. در حالی که بازار سهام باید ذاتاً برای فعالان اقتصادی جذابیت داشته باشد، نه اینکه ما به دنبال آن باشیم که با اقداماتی مانند کاهش نرخ بهره یا ایجاد سایر رانت‌ها جذابیت این بازار را افزایش دهیم. در کشوری که تورم آن حدود ۵۰ درصد است چرا نباید شرکت‌های بورسی بسیار بالاتر از نرخ بهره سود ایجاد کرده که افراد به سمت خرید سهام آنها جذب شوند؟ علت این است که به دلیل رکود توام با تورم به‌استثنای تعدادی از شرکت‌هایی که صرفاً به دلیل رشد نامتعرف قیمت دلار و دریافت انواع رانت از دولت‌ها در این سال‌ها سود خارج از انتظاری داشتند، اکثریت شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوضاع چندان خوبی ندارند؛ به همین دلیل دولت و مجلس همواره تلاش کرده و می‌کنند که به آن جذابیت مصنوعی تزریق کنند. طی این سال‌ها تقریباً تمام تلاش‌های دولت و مجلس اتفاقاً فقط توانسته همان تعداد شرکت فعال در صنایع پتروشیمی و فلزی و بعضاً چند بانک و تعدادی شرکت دیگر و صاحبان

سودی معقول و مشخص خو کرده بودند. اما از آن سال به بعد افراد تازه‌ای به این بازار ورود کردند. هم تعدادی که ظاهراً به برخی نهادهای قدرت وصل هستند و هم تعدادی از عموم مردم که البته بسیاری از آنها در سال ۹۹ از بازار رانده شدند. این گروه جدید چگونه بازار را متاثر می‌کنند و چقدر قدرت اثرگذاری دارند؟

همان‌طور که شما هم اشاره کردید در گذشته بازار سهام با فعالان بازار سنتی روبه‌رو بوده که به صورت معقول سودی به دست آورده و بعضاً ضرر می‌کردند. این افراد برای سال‌های متمادی در این بازار فعالیت کرده و سودهای مشخصی به دست می‌آوردند. تا قبل از سال ۱۳۹۷ سود فولادی‌ها، پتروشیمی‌ها و... به میزان متعارفی بود و روند بازار برای فعالان اقتصادی قابل پیش‌بینی بود. اما از سال ۱۳۹۷ به بعد وضعیت متفاوت شد. از آن سال دولت با راهنمایی گروه فشار اقداماتی کرد که به نحوی بازار سهام را برای مردم جذاب کرد. در آن زمان (و بلکه حتی قبل از آن) عده‌ای که از تصمیم دولت آگاه بودند و علاوه بر آن جهش ناگهانی نرخ ارز را پیش‌بینی می‌کردند به بازار سهام ورود کرده و با تزریق پول هنگفت سهام شرکت‌های خاص را صاحب شدند. همان‌طور که گفتیم تعداد معدودی از افراد بودند که صاحب این شرکت‌ها شدند. در واقع اگر قرار باشد بررسی‌های لازم درباره سهامداران عمده صورت گیرد به اشخاص معدودی می‌رسیم که اکثراً به نهادهای قدرت وابسته‌اند. این افراد گروه فشار بوده و بازار را تحت هدایت خود گرفته‌اند. نباید از نقش دولت غافل شد. دولت تبلیغات خود را بر این بازار متمرکز کرد و زمینه‌ها فراهم شد که افراد پشت پرده سود هنگفتی ببرند. این در حالی است که در همان دوران ضرر بسیاری نصیب مردم عادی فعال در بازار شد. پس از سقوط بازار سهام بار دیگر همان گروه به بازار آمده و سهام ارزان را خریداری کردند. اکنون هم می‌بینیم که برخی شرکت‌هایی که این گروه فشار سهامداران هستند مورد حمایت‌های دولتی قرار می‌گیرد. ضمن اینکه از این نوساناتی هم که بازار سهام تجربه می‌کند سود می‌برند.

❖ چقدر باید حضور این گروه در بازار سهام را نگران‌کننده ارزیابی کرد؟ به هر حال اقتصاد ایران ظاهراً اکنون بستری برای تاخت و تاز ذی‌نفعان شده و این گروه هم می‌تواند بخشی از آن جمعیت در نظر گرفته شود. چقدر این افراد می‌توانند برای اقتصاد ایران مضر و خطرناک تلقی شوند؟

به نظر من اصولاً حضور این افراد در اقتصاد کشور بسیار نگران‌کننده است و البته اتفاقاتی که در جریان تصمیم‌گیری‌ها برای بازار سهام ایران رخ می‌دهد هم بسیار نگران‌کننده است. بخشی از فساد که گفته می‌شود در اقتصاد ایران به مرحله نگران‌کننده‌ای رسیده است توسط همین سیستم ایجاد می‌شود که چند سال است در بازار سهام ایران فعال شده است. این گروه اکنون خود به معضل تبدیل شده‌اند. بازار سهام می‌تواند تضاد منافع بسیاری را ایجاد کند. اکنون می‌دانیم که بسیاری از سیاستمداران صاحب سهام هستند. اگر خود هم نباشند خانواده و نزدیکانشان سهامدار بوده و از این بابت منافع زیادی می‌برند. متأسفانه این شرایطی است که می‌تواند بر تصمیم‌گیری‌ها اثر بگذارد. برخی تصمیم‌گیری‌ها در سطح کلان اقتصاد ایران به‌طور خاص در جهت منافع افرادی خاص صورت می‌گیرد. این وضعیت نگران‌کننده بوده و فساد صورت گرفته اظهر من الشمس است. مساله مهم‌تر این است که زیان این وضعیت به کل مردم ایران می‌رسد. اصولاً چه معنایی دارد که شرکتی که کالای خود را تقریباً با نرخ دلار روز می‌فروشد، سوبسید بگیرد؟ اسم چنین روندی را چه می‌توان گذاشت؟ این روند مصداق فساد است. این پول از جیب چه افرادی می‌رود؟ از جیب همه مردم هزینه می‌شود. شرکت‌هایی که خوراک ارزان قیمت و انرژی و برق یارانه‌ای دریافت می‌کنند، همگی این امتیازها از منابع عمومی کشور یعنی از جیب مردم صرف می‌شود در حالی که می‌دانیم در نهایت نیز کالاهای خود را به قیمت بازار آزاد به همین مردم می‌فروشند. بسیاری از نهادهای تصمیم‌گیری در ایران آگاهانه یا ناخواسته شریک این جریان فساد هستند و در هدایت منابع عمومی کشور به جیب عده‌ای خاص نقش دارند. حتماً این وضعیت نگران‌کننده بوده و باید جدی گرفته شود. ❖

در همه دنیا گروه‌های صاحب منافع برای پیشبرد منافع خود تشکّل تشکیل می‌دهند و با نهادهای قدرت از جمله دولت و مجلس وارد گفت‌وگو شده و برای لابی کردن تلاش می‌کنند. اما مساله این است که دولت نباید اجازه دهد این گروه‌ها به گروه فشار تبدیل شوند.

سهام آنها را خشنود کند. اکنون صرفاً نرخ بهره هم مطرح نیست. نرخ خوراک صنایع پتروشیمی، فلزی و کانی و انرژی مصرفی سیمانی‌ها و فلزی‌ها و پتروشیمی‌ها و... همگی یارانه‌ای بوده که ظاهراً جهت کمک به ایجاد جذابیت در بورس تعیین شده است. حال باید دید هدف از حمایت‌های این چنینی از بازار سهام چیست؟ لازم است روشن کرد که بازار سهام در هیچ جای دنیا اصولاً عاملی برای رشد اقتصادی نیست. بورس یک بازار ثانویه است و لزوماً کمکی به قوی شدن شرکت‌ها نمی‌کند. البته منظور من این نیست که بازار سهام بازار مفیدی نیست. حتماً مفید است اما مفید بودن آن به خاطر موضوعاتی مانند تسهیل در جابه‌جایی سرمایه، شفافیت در قیمت و فراهم کردن فرصت تصمیم‌گیری برای تصمیم‌گیران است که البته حتی این شرایط اکنون در ایران فراهم نیست. می‌دانیم که در گذشته بسیاری از فرمان‌هایی که برای بازار سهام ایران صادر شده اتفاقاً به همراه‌کننده‌تر شدن این بازار منتهی شده است. مثلاً به بورس پول تزریق شده که قیمت‌ها بالا برود. این اقدامات هم در نهایت تأثیر ژرف و بلندمدتی ندارد و فقط منجر به آن می‌شود که به صورت تصنعی قیمت‌ها بالا رفته و تعدادی نوسان‌گیر حرفه‌ای از آن بهره‌مند شوند. نباید فراموش کرد که بسیاری از بازیگران تأثیرگذار در بازار سهام به نهادهای قدرت وصل هستند. به هر حال اتفاقی که اخیراً افتاده این است که بانک مرکزی تصمیماتش را بر مبنای منافع فعالان خاص بازار سرمایه می‌گیرد. وظیفه بانک مرکزی حفظ قدرت پول ملی و کنترل تورم است. در حالی که با این اقدام اخیر در مسیر عکس حرکت می‌کند. سوال این است که برای کشوری که تورم آن ۵۰ درصد است، نرخ ۱۸ یا ۲۰ درصد سود بانکی چه مفهومی دارد؟ سوال دیگر این است که مگر سپرده‌گذاران در اقتصاد کشور نقشی ندارند؟ یا فقط فعالان بازار سرمایه نقش دارند؟ اتفاقاً این پس‌انداز سپرده‌گذاران است که در بانک صرف سرمایه‌گذاری می‌شود و گر نه پولی که در بورس در جریان است در بازار ثانویه بوده و صرف سرمایه‌گذاری به مفهوم ملی آن نمی‌شود.

❖ برخی این نکته را مطرح می‌کنند که در همه جای دنیا، تشکّل‌ها، اتحادیه‌ها و گروه‌های مختلف برای پیشبرد منافع خود چانه‌زنی می‌کنند و فعالان بازار سهام نیز از این قاعده مستثنی نیستند. آیا می‌توان اقدامات این گروه و تغییر سیاستگذاری‌ها به نفع آنان را در این چارچوب تفسیر کرد؟

بله، در همه دنیا گروه‌های صاحب منافع برای پیشبرد منافع خود تشکّل تشکیل می‌دهند و با نهادهای قدرت از جمله دولت و مجلس وارد گفت‌وگو شده و برای لابی کردن تلاش می‌کنند. اما مساله این است که دولت نباید اجازه دهد که این گروه‌ها تبدیل به گروه فشار شوند. در ایران اتفاقی که رخ داده این است که بخش قدرتمندی از این فعالان بازار سهام تبدیل به گروه فشار شده‌اند. با این فرض در ایران تمام امتیازهای داده‌شده از طرف دولت و مجلس جهت شکوفایی اقتصاد و حتی رونق واقعی بازار سهام نبوده و نیست و می‌توان گفت که تمام این حمایت‌ها (سپه‌ها یا عمداً) در جهت حفظ منافع عده‌ای خاص صورت می‌گیرد. بهتر است بار دیگر اتفاقات سال ۱۳۹۹-۱۳۹۸ را مرور کنیم. در این دوره و حتی پس از آن تبلیغات صورت گرفته توسط آن گروه خاص سرشار از اطلاعات بسیار غلط و همراه‌کننده بود. حتی این ادعا مطرح می‌شد که شاخص کل بورس ما توانایی رسیدن به عدد باورناپذیر هشت میلیون را نیز دارد. چه زمانی این ادعا مطرح شد؟ زمانی که شاخص حباب‌وار به بیش از دو میلیون رسیده بود و هر آن انتظار فروریختن آن وجود داشت. متأسفانه بسیاری از افراد جامعه این سخنان را باور کرده و سرمایه خود را به این بازار آوردند و در نهایت با ضرری وحشتناک روبه‌رو شدند. در نهایت هم دیدیم که دولت کاری برای این افراد نکرد. با این تجربه دردناک هم اکنون نیز شاهدیم که دولت به نفع آن گروه خاص بازهم اقدامات متعددی در دستور کار قرار می‌دهد.

❖ درباره ترکیب فعالان بازار سهام از شما می‌پرسم. تا پیش از سال ۱۳۹۷ سهامداران بازار عده‌ای معدود بودند که در این بازار خرید و فروش کرده و به

شریک فساد

بسیاری از نهادهای تصمیم‌گیری در ایران آگاهانه یا ناخواسته شریک این جریان فساد هستند و در هدایت منابع عمومی کشور به جیب عده‌ای خاص نقش دارند. حتماً این وضعیت نگران‌کننده بوده و باید جدی گرفته شود.